

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۹۴۵/۳۰۵ رده بندی کنگره: ر ۹۰۳/۲

بررسی جزایی جرم جعل

شبنم سلطانی

چکیده

جعل در سالهای اخیر به دلیل نابسامانی اقتصادی کشور یکی از مسائل مهم دستگاه قضائی و سازمان ثبت اسناد و املاک به عنوان زیر مجموعه ای از آن دستگاه - می باشد. زیرا در روابط مردم به هر کیفیت تعداد بی شماری اسناد به انحاء مختلف تنظیم می شود که مفاد آن باید رعایت شود. برای اینکه فعالیتهای مختلف اجتماع راه عادی خود را طی کند لازم است اسناد تنظیمی وسیله مطمئنی برای حفظ روابط افراد بوده و اولین شرط استحکام آنها این است که عاری از تقلب و تزویر باشند. بی شک اسنادیکه دستخوش جعل و تزویر قرار می گیرند، طبعاً موجب اخلال روابط اجتماع و هم موجب لطمه به منافع افراد است و همین آثار ضرر مادی و معنوی و اجتماعی جعل است که مداخله قانون مجازات را ایجاب نموده است به همین دلیل در اکثر قانون گزاریها با مجازات نسبتاً شدیدی همراه است در تحقیق پیش رو، مواردی را که قانونگذار در قانون ثبت و قانون های مجازات و دیگر قانونها به عنوان جعل و در حکم جعل شناخته بررسی و تحلیل می کنیم. نتیجه ابتدائی از این تحقیق، تحلیل مبانی جرم جعل در قوانین موجود از جمله قانون ثبت و جعل در اسناد رسمی و رویکرد سیاست کیفری ایران به این جرم است.

واژگان کلیدی: جعل، سند، جاعل، سند مجعول، کلاهبرداری

بخش اول: کلیات

جرم جعل به ویژه، جعل اسناد را باید در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی تلقی کنیم اگرچه تمامی جرائم امنیت کشور و آسایش عمومی را خدشه دار می کنند ولی برخی از آنها همچون سرقت تحت عنوان جرائم علیه اموال و بعضی نیز مثل قتل تحت عنوان جرائم علیه اشخاص تقسیم بندی شده اند و برخی نیز تحت عنوان جرائم علیه مصالح عمومی کشور مورد مطالعه قرار می گیرند. دلیل عمده آن اینست که : در برخی جرائم همچون جعل، جرم ارتكابی امنیت کشور و آسایش عمومی را روشن تر و ملموس تر از سایر جرائم خدشه دار می کند و به طور مستقیم حاکمیت ملی و آسایش جامعه را تهدید کرده و اعتماد عمومی را سلب می کنند، لذا این قبیل جرائم علیه آسایش عمومی محسوب می شوند. جرم جعل اسناد به ویژه اسناد رسمی برخلاف جرائمی چون جاسوسی، شورش، سوء قصد به جان مقامات دولتی که مستقیماً با حاکمیت ملی برخورد می کنند و اساس و پایه های یک نظام را هدف قرار می دهند بیشتر با اموال مردم برخورد دارد، زیرا این جرم نقض حقوق مالکانه را مشتمل می باشند و آن را باید در زمره جرائم علیه اموال یا جرایم مالی بدانیم. لیکن، چون این جرم (جعل) موجب سلب اعتماد مردم نسبت به صحت اسناد و ایجاد نگرانی و اختلال در معاملات روابط بازرگانی و اداری گردیده و آسایش عمومی را به خطر انداخته و بنیانهای اقتصادی جامعه را متزلزل می سازد. از جرائم علیه آسایش عمومی محسوب شده است. لذا به همین دلیل با واکنش شدید قانونگذار همراه است. زیرا اگر این جرم جنبه عمومی به خود گرفته و رایج گردد برای هیچ کس در روابط حقوقی اش تامين و تضمین وجود نخواهد داشت. هر چند در حقوق و متون اسلامی مجازات اکثر جرائم از قبیل قتل و سرقت تعیین گردیده، لکن مجازات جرائم و تقلباتی از قبیل جعل به اجمال برگزار شده و مجازات آنها به نظر حاکم واگذار شده است. قانونگذار ما به دلیل

اهمیت و اعتباری که به اسناد رسمی داده برخی از افعال را که اصطلاحاً جعل نیستند در ماده ۱۰۰ قانون ثبت تحت عنوان جعل آورده و برای مرتکبین مجازات جعل در اسناد رسمی را پیش بینی نموده است. با پیشرفت علوم و فنون، جرم جعل نیز سیر تکاملی خود را طی کرده و جاعلین عمدتاً با وسایل پیشرفته و با دقت زیاد دست به جعل اسناد می زنند به همین علت کشف این جرائم روز به روز سخت تر و پیچیده تر گشته و به افراد ورزیده و کارشناس خبره و وسایل پیشرفته نیاز دارد. اگرچه قانون ثبت اسناد املاک در کشور ما قدمتی هم پای قانون مدنی و قانون مجازات دارد ولی حقوق ثبت اسناد و املاک از لحاظ تحقیق و پژوهش در سطح پایین تری قرار دارد و به نظر می رسد، علت کم توجهی و بی مهری متولی آن، یعنی سازمان ثبت اسناد و املاک می باشد. هرچند در سالهای اخیر اقداماتی اگرچه اندک از سوی سازمان مذکور برای تشویق به انجام کارهای تحقیقاتی صورت گرفته است. لذا از نظر به اهمیت موضوع و گستردگی قوانین که گاهی با هم در تعارض هستند ما را بر آن داشت که موضوع مورد نظر را انتخاب نماییم.

بخش دوم: جعل در پرتو قوانین

بند اول: تحلیل عنصر قانونی بزه جعل

عنصر قانونی جرم جعل در قوانین و مقررات مختلف به طور گسترده ای پراکنده شده اند، که بعضاً یافتن عنصر قانونی منطبق بر موارد خاص جعل را با دشواری مواجه می سازد. این اصل پایه حقوق جزای مدرن است شناختن این موارد، در تبیین عناصر مادی و معنوی مصادیق مختلف جعل حائز اهمیت است. قانون مجازات اسلامی، به عنوان قانون اصلی، بدنه اصلی جرم جعل را تشکیل می دهد و سایر قوانین جزایی که به بحث از جعل پرداخته اند، به بیان جعلهای خاص پرداخته اند. بنابراین شناخت خصوصیات

این قوانین حائز اهمیت خاص است. چه بسا در این قوانین، جرایمی پیش بینی شده باشند که در حکم جعل هستند و صرفاً از جهت تعیین مجازات، حکم جعل را خواهند داشت. البته در برخی موارد از نظر عنصرهای مادی و معنوی نیز منطبق با عنوان جعل می باشند که تفصیل آن در جای خود بیان خواهد شد

بند دوم: عنصر قانونی جرم جعل در قانون مجازات اسلامی

بدنه اصلی عنصر قانونی جرم و تزویر، قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم مجازات های تعزیری و بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ (از این پس ق.م.ا نامیده می شود) می باشد. فصل پنجم این قانون در ضمن مواد ۵۲۳ تا ۵۴۲ به بحث از جعل و استفاده از سند مجعول پرداخته است.

موقعیت ماده ۵۲۳ ق.م.ا در تبیین جرم جعل و تزویر:

ماده ۵۲۳ ق.م.ا مقرر می دارد: "جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب". هر چند در این ماده جرم جعل تعریف نشده، ولی اهم مصادیق عنصر مادی و هم چنین عنصر معنوی این جرم را معین نموده است.

الف) طرق پیش بینی شده در قانون

دو نکته در عنصر قانونی هر جرمی قابل توجه است

اول: نحوه ارتکاب : یکی از موضوعاتی که در عنصر قانونی هر جرم مورد توجه قرار می گیرد، نحوه ارتکاب جرم (طرق ارتکاب آن) است.

دکتر سپهوند : "مقصود از طرق پیش بینی شده در قانون این است که در مواد جعل قانون، طریق و ترتیب ارتکاب جرم را مشخص کرده است."

این طرق مواد مختلف قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۲۳ تا ۵۴۲) بیان شده است. مهم ترین ماده ای که این مصادیق را احصاء نموده، ماده ۵۲۳ ق.م.ا است . طرق ارتکاب جعل همان موارد مندرج در مواد ۵۲۳ به بعد است . مانند ساختن، تغییر دادن، بکار بردن و ... که اصولاً خارج از این مصادیق، نمی توان عملی را جعل محسوب کرد .

در سایر قوانین جزایی نیز از مواد ۱۰۰ و ۱۰۴ قانون یا ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ (از این پس ق . ث نامیده می شود) طرق دیگری پیش بینی شده است.

دوم: انطباق با فعل مرتکب : این طرق باید با فعل مرتکب انطباق داشته باشد. چنان چه فردی مرتکب یکی از موارد مندرج در ماده ۵۲۳ ق.م.ا شود باید دید عملش با کدام ماده از مواد جعل انطباق دارد، در صورت عدم انطباق، موارد از مصادیق جعل نخواهد بود.

مرتکب ممکن است نظامی، غیر نظامی، کارمند دولت، غیر کارمندان دولت، و ... باشد. هر کدام از این موارد نیازمند یافتن ماده متناسب با وصف مرتکب است . مثلاً تطبیق ماده ۱۰۰ ق.ث با مواد قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵).

این طرق در رابطه با موضوع جعل، سند عادی، رسمی، نوشته، شیء و ... نیز باید در قانون پیش بینی شده باشد. مثلاً جعل معنوی در اسناد عادی منطبق با کدام ماده است؟

ب) "نظایر این ها"

در این ارتباط باید منظور قانونگذار از عبارت " و نظایر این ها " که ذیل ماده ۵۲۳ ق.م.ا آمده است، روشن شود.

آیا این عبارت در مقام بیان تمثیلی بودن موارد مندرج در م. ۵۲۳ ق.ا است . به عبارت دیگر خللی به حصری بودن آن مصادیق وارد نمی سازد؟

منظور از " نظایر این ها "، [با توجه به اصول حاکم بر تفسیر قوانین کیفری نظیر تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم] یعنی نظیر همان مصادیق بکار رفته شده در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. مثلاً نظیر امضاء چیست؟ پاراف یا اثر انگشت . چون امضاء ذیل یک سند به معنای تأیید مندرجات آن سند به وسیله امضاء کننده است . اثر انگشت افراد (بی سواد) نیز همین معنا را می رسانند. پس می توان ادعا کرد که جعل اثر انگشت و پاراف هم منطبق بر م. ۵۲۳ ق.م.ا است . ولی نمی توان براساس ماده ۵۲۳ ق.م.ا. ثبت یک سند مجعول را جعل محسوب کرد . چون در هیچ از مواد ق.م.ا این نحوه ارتکاب، جعل محسوب نشده است . برای جرم انگاری چنین رفتاری نیازمند ماده قانونی دیگری هستیم . لذا، در این مورد ناگزیر از مراجعه به ماده ۱۰۰ ق. ث هستیم.

به دلیل عدم تکرار این عبارت در م. ۵۳۴ ق.م.ا آن مصادیق منحصرأ همان موارد است و شامل موارد شبیه آن ها هم نمی شود. بنابراین شهادت دروغ با این که شباهت زیادی به آن مصادیق دارد مثلاً «امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل» نشان دادن است شامل آن نیست.

۲: انطباق جرایم در حکم جعل و تزویر با قانون مجازات اسلامی برای تعیین مجازات .

در قوانین جزایی متفرقه (یعنی غیر از قانون مجازات اسلامی) موارد متعددی وجود دارد که قانون گذار اعمال خاص را در حکم جعل قرار داده است . برای تعیین مجازات

این مواد باید به مواد مربوط به جعل در قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها اقتضاء می کند که تعیین هرگونه مجازات طبق مواد مندرج در فصل پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ صورت پذیرد، مگر اینکه در همان قانون تعیین مجازات شده باشد.

بند سوم: تحلیل عنصر مادی و معنوی جرم جعل و تزویر

۱- ارکان عنصر مادی

برای تحقق رکن مادی جرم جعل عناصر زیر لازم است: قلب حقیقت و قابلیت اضرار، که به ترتیب مورد بحث قرار می گیرد.

۱-۱: قلب حقیقت

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانونگذار صریحاً بر ضرورت «خلاف حقیقت بودن» این جرم تأکید می نمود. در ماده ۹۷ این قانون چنین آمده بود: "جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری بر خلاف حقیقت." قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ در ماده ۲۰ عیناً همین عبارات قانون مجازات عمومی را تکرار نموده است. ولی ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ مقرر داشته است: "جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند...." و عبارت "خلاف حقیقت" را حذف کرد. در آراء قضات دیوان عالی کشور همواره تأکید شده است که برخلاف حقیقت بودن رکن مادی جرم جعل است. به عنوان مثال در رأی شماره ی ۱۶۳۲ مورخ ۱۳۲۸، شعبه دوم دیوان عالی کشور، خلاف واقع بودن از ارکان تشکیل دهنده بزه جعل است. (لیکن این رأی در زمان حاکمیت قانون ۱۳۰۴ صادر شده که برخلاف حقیقت بودن را در متن ماده صراحتاً ذکر کرده بود).

بنابراین در تأیید نظر خودمان که همان لزوم برخلاف حقیقت بودن است، نمی‌توانیم به آن آراء استناد کنیم. پرسشی که مطرح می‌گردد این است که آیا کماکان این عنصر برخلاف حقیقت بودن وجود دارد و جزء عناصر جعل است یا خیر؟

در ابتدا باید مشخص نمود منظور از قلب حقیقت چیست؟ در این خصوص اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. دو دیدگاه در اینجا قابل ذکر است:

- ۱- نگاه محتوایی: که به محتوا و مضمون و مفاد یک سند می‌پردازد.
 - ۲- نگاه شکلی: که صرف نظر از محتوا به تحلیل شکل سند می‌پردازد. قلب حقیقت جزء عنصر مادی جرم جعل هست ولی ما فقط به محتوای یک سند تکیه نمی‌کنیم.
- برخی از نویسندگان مثالی را ذکر می‌کنند: فرض کنید من واقعاً از شما طلبکارم اما سند ندارم، لذا سندی می‌سازد تا طلب خود را بگیرد. این جا جعل واقع شده است. اما در واقع در محتوا و حقیقت سند تغییری ایجاد نشده است. بسیاری از نویسندگان معتقدند که این جعل هست، اما خلاف حقیقت نیست. لذا این گروه اساتید قلب حقیقت را جزء جعل نمی‌دانند. تحلیلشان هم اشاره به محتوای سند است. البته بعضی هم به حذف عبارت "قلب حقیقت" در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) استناد کرده‌اند.
- ولی طبق دیدگاه شکلی قلب حقیقت جزء جرم جعل است. منظور از قلب حقیقت فقط تکیه بر محتوای سند نیست، بلکه منظور شکل آن است. یعنی در آن مثال فوق الذکر، من ادعا می‌کنم که رسید و سند را شما امضا کرده‌اید. اما این امر خلاف حقیقت است، صرف نظر از اینکه محتوایش مطابق واقع باشد یا نباشد، لذا منظور از خلاف واقع بودن شکل سند است. لذا تغییر، تحریف و قلب واقع شده می‌تواند در محتوا یا در شکل سند باشد. عنصر مادی جرم جعل، در ذات خود «برخلاف حقیقت بودن» را دارد. مرتکب

یک چیز غیر واقعی و ساختگی را ارائه داده که شکل آن یا محتوای آن ساختگی است یا هردو ساختگی هستند. ماده ۵۲۳ هرچند به تعریف جرم جعل نپرداخته و به بیان مصادیق آن اکتفا نموده، لیکن ما از تعیین مصادیق ماده ۵۲۳ به تعریف هم می‌رسیم. آنچه واضح است اینکه در جعل حداقل یک تغییری صورت گرفته، پس اگر من شناسنامه ای درست کردم شبیه شناسنامه خودم، این برخلاف حقیقت است چون در واقع من مدعی این امر هستم که این شناسنامه را ثبت احوال تنظیم نموده است. نتیجتاً می‌توان چنین بیان نمود که تحریف حقیقت یا به صورت شکلی یا ماهوی است. فلذا حتماً بایستی حقیقتی جعل و تحریف شود. حتی اگر طلبکار رسیدی نوشته از جانب بدهکار و به وی منتسب می‌کند، در حالی که این انتساب خلاف حقیقت باشد، در این صورت جعل است (شخص یا بدهکار است یا نیست، در هردو حالت حقیقت تحریف شده است). یا مصادیقی که به عنوان تغییر ذکر شده به نوعی متضمن یک امر خلاف حقیقت است. مثلاً تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی از مصادیق تحریف معنوی است. واژه "تاریخ حقیقی" نشان دهنده اینست که توجه به یک موضوع دیگر و مقایسه آن با سند ارائه شده همواره در جعل وجود دارد. یک تاریخ حقیقی که همان تاریخ سند است وجود دارد. که مربوط به زمان نگارش و انعقاد سند است و یک تاریخ غیر حقیقی که شخص در سند قید می‌کند. همانطور که گذشت، قلب حقیقت از مهمترین ارکان جرم جعل می‌باشد. حال این تغییر در حقیقت باید به یکی از طرق پیش بینی شده در قانون باشد. چون رفتارهای مباح زیادی وجود دارد که شبیه جعل اند. به علاوه مواردی نیز شبیه جعل وجود دارد نظیر قسم دروغ، شهادت دروغ، که در آن‌ها نوعی تحریف واقعیت وجود دارد لیکن جعل نیستند فلذا طرقی که در قانون احصاء نشده جعل محسوب نمی‌شود.

رکن ضرری: رکن دوم جعل، رکن ضرری می باشد که تحت عنوان قابلیت تحقق ضرر و اضرار به غیر، مورد توجه قرار گرفته است. دقیق ترین واژه در این خصوص قابلیت اضرار و قابلیت ایجاد ضرر و زیان می باشد. یعنی لزوماً لازم نیست ضرر واقع شود بلکه همین که قابلیت اضرار و قابلیت ایجاد زیان را داشته باشد کافی است. در حقوق جزای عمومی خواندیم که جرایم به دو گروه مطلق و مقید تقسیم می شوند. عنصر مادی برخی جرایم متضمن دو جزء هستند: ۱- فعل یا ترک فعل ۲- نتیجه. به عنوان مثال در جرم قتل، فعل: زدن چاقو، نتیجه: ازهاق نفس، پس نتیجه مجزای از فعل است. ممکن است نتیجه واقع نشود که در این صورت، قتل واقع نشده است. یا در سرقت، ربودن فعل است و نتیجه ربودن مال متعلق به دیگری است. بنابراین اگر پول را برنمرد، سرقت تحقق نمی یابد، چون نتیجه ای واقع نشده است، یا در جرم کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه فعل و نتیجه تصاحب مال است. این گونه جرایم مقید هستند. یعنی تحقق آن ها منوط به نتیجه می باشد. اما در مقابل جرایمی قرار دارند که یا نتیجه ای بر آنها متصور نیست و یا فارغ از اینکه نتیجه دارند یا ندارند ما آن ها را جرم می شناسیم، چرا که همان مقدار رفتار را برای جرم دانستن کافی می دانیم. خواه به نتیجه برسند یا نه. این جرایم مطلق هستند. مثل نگه داری مواد مخدر، نگه داری تجهیزات ماهواره‌ای، حمل اسلحه و نظایر این ها. آیا جرم جعل مطلق است یا مقید؟ آیا این جرم باید نتیجه ای را به دنبال داشته باشد؟ این جرم، جرمی مطلق است اما باید قابلیت ایجاد ضرر داشته باشد. این ضرر در جعل های مختلف متفاوت است. در سند عادی اصولاً کسی نمی تواند ضرر ببیند جز صاحب یا ذی نفع مستقیم یا غیرمستقیم آن سند. پس اضرار به جامعه در آن مطرح نیست. پس قابلیت ایراد ضرر در جعل چک فقط باید نسبت به صادر کننده یعنی صاحب چک یا دارنده با حسن نیت باشد. طرح دعوای جعل چک هم فقط توسط دارنده یعنی

کسی که امکان ضرر برای اوست، مطرح می گردد. به طور کلی جعل در اسناد عادی لطمه اساسی را به حقوق افراد وارد می کند ولی جعل در سند رسمی لطمه به حقوق عمومی هم وارد می کند. پس در اسناد عادی نمی توان ادعای ضرر و زیان به دولت را مطرح کرد. لیکن در جعل شناسنامه لطمه اساسی به دولت مطرح شده است. پرسش دیگری مطرح می شود این است که: بزه دیده در جرم جعل کیست؟ برخی جرایم دارای بزه دیده حقیقی هستند مثل قتل، سرقت، کلاهبرداری برخی دیگر از جرایم صرفنظر از اینکه دارای بزه دیده حقیقی هستند یا نیستند، جرم انگاری می شوند. در واقع بزه دیده دارند لیکن بزه دیده آنها قابل درک و لمس نیست. در این دسته جرایم جامعه و حکومت بزه دیده فرض می شوند. مثل قاچاق کالا و مواد مخدر، براندازی، تجزیه کشور و نظایر آن. مثلاً در قاچاق کالا ممکن است شخص خاصی صدمه نبیند، حتی خریداران، به دلیل ارزان تر بودن قیمت، آن را ترجیح هم بدهند لیکن نظام اقتصادی و دولت است که زیان دیده اصلی محسوب می گردد. یا در جرم براندازی نظام؛ بزه دیده مردم و نظام اجتماعی به طور کلی هستند. دسته ای دیگر از جرایم یا جرایم بدون بزه دیده هستند. این دسته از جرایم بزه دیده ندارند. به بیان دیگر نه دارای بزه دیده حقیقی و نه دارای بزه دیده فرضی اند. مثل جرم اعتیاد، ولگردی و یا بی حجابی. ما در جرم جعل در مواردی دارای بزه دیده حقیقی هستیم، مثلاً جعل چک متعلق به دیگری. در موارد دیگری بزه دیده حقیقی در جعل وجود ندارد بلکه بزه دیده حقوقی (حقوق عمومی و حقوق خصوصی) وجود دارد. (منظور بزه دیده فرضی است). جعل در اسناد رسمی بهترین مثال در این خصوص می باشد. اسناد رسمی اهمیت زیادی داشته و نقش عمده ای را در روابط افراد ایفا می نمایند. جعل این اسناد اعتبار آن ها را خدشه دار می کند. بزه دیده در جعل این اسناد، بزه دیده اعتباری هستند. اگر اعتبار این اسناد آسیب ببیند جامعه، نظام و

حکومت است که آسیب می بیند. بنابراین در جعل ممکن است بزه دیده حقیقی یا اعتباری وجود داشته باشد.

بخش سوم: تحلیلی بر ادعای جعلیت ماده ۲۱۹ آیین دادرسی مدنی

این ماده یک استثنا دارد. گفته مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رأی یافت شده باشد در غیر اینصورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد. (یعنی مگر دلیل جعلیت بعداً پیدا شود). پس از طرح ادعای جعلیت، این ادعا به طرف مقابل ابلاغ می شود. (ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی). ادعای جعل همانطور که از نامش پیداست یک ادعا است و از باب قاعده "البینه علی المدعی" بار اثبات بر عهده مدعی جعل است و با انکار و تردید فرق دارد. فرق اصلی آن همین است که در انکار و تردید بار اثبات بر عهده طرف است ولی در ادعای جعل بر عهده مدعی جعل است. شخص مقابل در برابر ادعای جعل ممکن است بگوید من از استفاده از این سند منصرف شدم، در این صورت سند از عداد دلایل طرف خارج می شود. ابراز کننده سند می توان هر وقت بخواهد از استفاده از سند انصراف دهد. یعنی ابراز کننده سند دیگر از آن سند استفاده نمی کند. ولی گاه ابراز کننده سند در استفاده از سند باقی است که در اینصورت ۱۰ روز وقت دارد اصل سند را بیاورد. دفتر دادگاه اصل سند را می گیرد و مهر و موم می کند و به دارنده آن رسید می دهد. اگر در ظرف ۱۰ روز اصل سند را نیاورد، سند از عداد دلایل او خارج می شود. این امر دلیل بر جعلیت سند ابرازی طرف نیست. پس نمی توان ادعا کرد که چون سندش را ارائه نکرده است، پس حتماً جعلی بوده است. پس از آنکه فرد به استفاده از سند باقی بود، دادگاه اصل سند را می گیرد و قرار کارشناسی صادر می کند. دادگاه معمولاً به اداره آگاهی ارجاع می دهد که اداره آگاهی بخش تشخیص هویت دارد که کارشناسانی دارد که همان افسران اداره

آگاهی هستند که آنها در مورد قضیه نظر می دهند. ولی امروزه، معمولاً به کارشناسان رسمی دادگستری (کانون کارشناسان رسمی دادگستری بخشهای مختلفی دارد که یک بخش آن کارشناسان خط و امضا هستند، ارجاع می دهند. ماده ۲۲۶ آیین دادرسی مدنی در این باره مقرر میدارد: "دادگاه موظف است در صورت ضرورت دقت در سند تطبیق خط، امضاء اثرانگشت یا مهر سند را به کارشناس رسمی یا اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل که مورد وثوق دادگاه باشند، ارجاع نماید. اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل، هنگام اعلام نظر به دادگاه ارجاع کننده، باید هویت و مشخصات کسی را که در اعلام نظر دخالت مستقیم داشته است معرفی نماید. شخص یاده شده از جهت مسئولیت و نیز موارد رد، در حکم کارشناسی رسمی می باشد." ارجاع به اداره تشخیص هویت معمولاً به وسیله محاکم حقوق انجام نمی شود. امروزه اگر پرونده در دادرسی مطرح باشد ممکن است آن را حسب مورد به پلیس بین الملل، کارشناس رسمی دادگستری یا اداره تشخیص هویت ارجاع دهد که تصمیم این ها قابل اعتراض بوده و می رود هیأت کارشناسان. اگر کارشناس دادگستری نظر داده، به کارشناسان سه نفره ارجاع می شود. ولی دادگاه های حقوقی پرونده را معمولاً به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع می دهد. پس از ارجاع به کارشناس، او کار خود را آغاز می کند. همه آنچه که در قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد در مورد جعل مادی است نه معنوی مثل استکتاب، کارشناس خط و امضا. هرچند در مواردی می توان از عمومات این مواد در جعل معنوی هم استفاده کرد اما اصولاً اظهار نظر در مورد موارد جعل معنوی از طریق کارشناسی امکانپذیر نیست. از طریق تحلیل محتوای یک سند قرائن و امارات خارج از سند، میتوان در مورد معجول بودن این سند نظر داد. اصولاً در جعل معنوی اثری روی کاغذ وجود ندارد و سخت است که از طریق کارشناسی احراز شود،

لذا به قرائن دیگر می‌پردازیم. مثلاً نوشته آپارتمان یک میلیون تومان فروخته شده حال ثمن چگونه پرداخت شده؟ مواد آیین دادرسی مدنی ناظر به جعل مادی است که کارشناس اثری مادی را روی کاغذ بررسی می‌کند. ماده ۳۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مواردی را پیش‌بینی کرده بود مثل: تطبیق سند با اسناد دیگر، تحقیق از گواهان و مطلعان، تطبیق خط و امضاء. در ماده ۳۹۶ آیین دادرسی مدنی سابق هم از اسناد مسلم الصدور بحث کرده بود یعنی اسنادی که انتساب آنها به طرف قطعی است و تطبیق این‌ها را با یکدیگر مورد بحث قرار داده بود و مثال زده بود مثل اسناد رسمی که امضا و اثر انگشتی که در اسناد رسمی وجود دارد می‌تواند اساس تطبیق قرار بگیرد. یا امضا و اثر انگشت یا مهری که طرف در جلسات دادگاه زده، در حضور قاضی زده، می‌توانست اساس تطبیق قرار گیرد یا خطوط و امضایی که اشخاص در دفترهای اسناد رسمی انجام داده‌اند. در قانون سابق این موارد به خوبی روشن شده بود، لیکن الآن بی‌جهت برخی این موارد در قانون آ. د. م. ۱۳۷۹ حذف گردید. مثلاً ماده ۲۲۳ مقرر می‌دارد: "خط، مهر، امضا و اثر انگشت اسناد عادی را که نسبت به آنها انکار، تردید یا ادعای جعل شده باشد، نمی‌توان اساس تطبیق قرار داد، هرچند که حکم به صحت آن شده باشد". مفهوم مخالف این ماده این است که اسناد رسمی صحیح الصدور و مسلم الصدور را می‌توان مبنای تطبیق قرار داد. پس سند عادی‌ای هم که مورد اعتراف شخص قرار گرفته می‌تواند مبنای تطبیق قرار گیرد. ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) مقرر می‌دارد: "می‌توان کسی را که خط یا مهر یا امضاء یا اثر انگشت منعکس در سند به او نسبت داده شده است اگر در حال حیات باشد، برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت نمود. عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهر می‌تواند قرینه صحت تلقی شود". استکتاب از باب استفعال به معنای طلب نوشتن است. استکتاب در

حضور کارشناس به عمل می آید. کارشناس حرکات دست متهم را نگاه می کند و از وی می خواهد که مکرر یک کلمه یا یک جمله را بنویسد و بعد حرکات خطوط را با هم بررسی می کند. اگر شخص مرده باشد باید چه کرد؟ قانون سابق به گواهی گواهان اشاره کرده بود، در حال حاضر هم بر اساس ادله کلی می توانیم به گواه ی گواهان اشاره کنیم . یا اینکه به اسناد مسلم الصدور او مراجعه کنیم . نکته بعدی اینکه استکتاب در دفتر دادگاه به عمل می آید مگر دادگاه ارجاع داده باشد به کارشناس اداره آگاهی . که در این حالت آنکه باید از او استکتاب به عمل آید ، به اداره آگاهی می رود، ولی کارشناس رسمی دادگستری ، معمولاً در دفتر دادگاه انجام می دهد . طبق ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی اگر سند در دسترس نیست مثلاً در دفترخانه است مثل اسناد مسلم الصدور اگر امکان آن باشد آن را می آورد و آلا خود کارشناس به آنجا می رود.

نکته بعدی اینکه اگر دادگاه رسیدگی کرد و بعد از اینکه کارشناس نظر داد جعلی است دادگاه چه کار می کند؟ ماده ۳۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مقرر می داشت: دادگاه قرار جعلیت صادر می کند و مراتب را به دادسرا اعلام می کند و متعاقباً دادنامه صادر می کند.

ماده ۲۲۷ ق.آ.د.م (۱۳۷۹) چنین تکلیفی را برای دادگاه حقوقی مشخص نکرده است، چون در سال ۱۳۷۹ که قانون آیین دادرسی مدنی به تصویب رسید، دادسرا وجود نداشته است . بنابراین صدور قرار جعلیت سند در ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ پیش بینی نشده است . دکتر شمس در جلد سوم صفحه ۲۲۱ کتاب آیین دادرسی مدنی می نویسد که دادگاه مکلف است مراتب جعلی بودن سند را به دادستان اعلام کند . استدلال

تکلیفی در قانون نیامده چون وظایف دادستان بر عهده دادگاه بوده است . لیکن به نظر این جانب دادگاه حقوقی تکلیفی ندارد که پرونده را به دادرسی بفرستد . طبق ماده ۲۲۷ ق.آ.د.م آیا می توان گفت رسیدگی توأماً هم الآن امکان دارد؟ به نظر میرسد که نمیتوان زیرا دادگاه جزایی فقط زمانی می تواند رسیدگی کند که کیفرخواست صادر شده باشد . بدون صدور کیفرخواست نمی توان به یک اتهام رسیدگی کرد . مگر مواردی که نیاز به صدور کیفرخواست ندارد که جرم جعل جزء این موارد نیست . به نظر میرسد رسیدگی توأماً امکانپذیر نیست چون کیفرخواستی وجود ندارد و دادگاه جزایی زمانی می تواند رسیدگی کند که بفرستد دادرسی، کیفرخواست صادر شود و به خاطره سبق ارجاع به همان شعبه رسیدگی کننده بفرستد. که وقتی ارجاع شد، دادگاه می تواند هم به ادعای جعل رسیدگی کند و هم جنبه حقوقی را بررسی کند، اگر مواردی نیاز به صدور کیفرخواست نداشت، امکان رسیدگی توأماً وجود دارد . در ادامه ماده ۲۲۷ یاد شده به اصل برتری محاکم کیفری بر حقوقی اشاره می کند: " در صورتی که دعوای حقوقی در جریان رسیدگی باشد، رأی قطعی کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند، برای دادگاه متبع خواهد بود ". نظم عمومی اقتضاء می کند که محاکم کیفری برتر از محاکم حقوقی باشد . چون محاکم حقوقی روابط دو شخص هستند ولی دعوای کیفری با نظم عمومی پیوند می خورند. دادگاه حقوقی باید به این دلیل که پرونده در دادگاه کیفری جریان دارد، رسیدگی را متوقف کند چون منجر به صدور آراء متناقض می شود . اگر برای جعلیت سند یا نوشته رأی کیفری صادر شده باشد، باید برای دادگاه حقوقی متبع باشد.

ماده ۲۲۷ گفته "به موجب رأی قطعی کیفری ثابت شده و سند یاد شده مستند دادگاه در امر حقوقی باشد ... " معمولاً رأی دادگاه اعم از حکم و قرار است حال اگر دادگاه کیفری آمده بود قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر کرده بود آیا این دارای اعتبار است؟

دکتر شمس می‌فرمایند کلمه رأی در این قانون به قرینه واژه اعاده دادرسی باید حکم آورده می‌شد. اعاده دادرسی در مورد احکام نهایی است نه در مورد قرارها (ماده ۴۲۹).

در واقع قانونگذار بایستی می‌گفت به موجب حکم (نه رأی)، پس در صورتی لازم الاتباع است که حکم قطعی نهایی صادر شده باشد و شامل قرارهای منع تعقیب موقوفی تعقیب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

جعل از جمله جرایم سلب اعتماد عمومی و اخلال در نظام اقتصادی کشور است و یکی از عوامل مهم ناکارآمدی اجتماعی در جامعه به شمار می‌رود. با توجه به توسعه‌ی شبکه مبادلات و ارتباطات داخلی و بین‌المللی و ضرورت سهولت و سرعت در انجام قراردادهای و معاملات و حفظ اعتبار اسناد و نقش حیاتی آنها در کلیه شئون زندگی انسانها، شایسته است مسئولان ذیربط با تدوین ضوابط و مقررات خاصی، اطمینان و امنیت خاطر اشخاص، شرکت‌ها و سازمانها را فراهم سازند. جعل اسناد رسمی از جرایمی است که بلافاصله و مستقیماً به اعتماد مردم نسبت به اسناد لطمه وارد می‌کند و نیز مستقیم یا غیر مستقیم موجب خسارت مادی افراد یا اجتماع خواهد بود. قانونگذار در باب ششم قانون ثبت اسناد و املاک، که مهمترین متن کیفری حقوق ثبت اسناد و املاک نیز به شمار می‌رود در ماده ۱۰۰ آن در هدف بند، افعال غیر مجازی را که بعضی از آنها اصطلاحاً جعل نمی‌باشند؛ در ردیف جعل اسناد رسمی قرار داده است و مرتکبین چنین اعمال ممنوعه را

که از کارکنان و اجزاء ثبت اسناد و املاک و یا صاحبان دفاتر اسناد رسمی می باشند ؛ جاعل در اسناد رسمی محسوب نموده است. در ماده ۱۰۳ قانون مذکور ، صدور گواهی خلاف واقع از سوی کارکنان و کارمندان را جرم تلقی نموده و آن را در حکم جاعل در اسناد رسمی می داند و برای مرتکب یا مرتکبین آن مجازات جاعل در اسناد رسمی را پیش بینی نموده است. خسارت حاصله از جعل اسناد رسمی ممکن است مادی یا معنوی یا هر دو و یا اجتماعی ، مسلم یا محتمل باشد. جرم جعل اسناد رسمی دارای این خصوصیت است که خسارت واقعی ناشی از جرم نتیجه غیر مستقیم و مع الواسطه عمل جاعل می باشد ، ولی آنچه مستقیماً و بلاواسطه از آن نتیجه می شود. بی نظمی و تشویش عمومی و از همه مهمتر لطمه به احساس اعتماد عمومی به اسناد رسمی است ؛ زیرا همانطور که می دانیم در اسناد رسمی حس اعتماد عمومی وجود دارد و شرط مهمی به شمار می آید. در گواهی خلاف واقع نیز که از سوی کارکنان ثبت اسناد و املاک صادر می شود. اعتماد عمومی نسبت به دولت و سازمان ثبت اسناد و املاک کاسته خواهد شد چرا که کارکنان سازمان مذکور به عنوان نماینده دولت عمل می کنند. النهایه خسارت و ضرر اجتماعی در اسناد رسمی غالب بر ضرر فردی است ، زیرا اعتماد عمومی به اسناد رسمی و گواهی های صادره از طرف کارکنان ثبت اسناد و املاک از اساس زندگی اجتماعی به شمار می رود و چنانچه این اعتماد مخدوش شده یا لطمه ببیند اجتماع خسارت خواهد دید. قصد متقلبانه در جعل اسناد رسمی در قانون ثبت شامل قصد عام و قصد خاص می باشد که از آن به تدلیس عام و تدلیس خاص نیز تعبیر شده است. قصد عام یعنی تغییر حقیقت در سند یا ثبت سند و قصد خاص یعنی معرفت به امکان ایراد خسارت.

منابع و مأخذ

- (۱) ابرام، احمد؛ ماهیت حقوقی قولنامه، چاپ چهارم، تهران، فردوسی، ۱۳۷۴.
- (۲) آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، جهاد دانشگاهی ۱۳۶۵
- (۳) امامی، دکتر سید حسین؛ حقوق مدنی، چاپ چهارم، جلد ششم، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۳
- (۴) بازگیر، یداله؛ سرقت، جعل، خیانت در امانت در آراء دیوان عالی کشور، چاپ اول، نشر حقوقدانان، ۱۳۷۶.
- (۵) پیمانی، دکتر ضیاء الدین؛ جرائم علیه امنیت و آسایش، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- (۶) جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر؛ حقوق ثبت، چاپ چهارم، جلد چهارم، جلد اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲.
- (۷) جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر؛ فرهنگ عناصر شناسی حقوق مدنی - حقوق جزا، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۸۲.
- (۸) جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.
- (۹) جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، جلد سوم، گنج دانش، ۱۳۸۱.
- (۱۰) حائری شاه باغ، علی، شرح قانون مجازات عمومی، انتشارات نقش جهان، تهران، ۱۳۳۲

- ۱۱) خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹
- ۱۲) دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، بی تا، جلد ۱۶ و ۲۸، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۸.
- ۱۲) راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران، نشر چشمه، سال ۱۳۶۸
- ۱۳) ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، انتشارات داد آفرین، چاپ ششم، ۱۳۹۳
- ۱۴) سلیمانپور، دکتر محمد؛ جعل اسناد در حقوق ایران از نظر حقوق تطبیقی، بی تا، تهران، گنج دانش، ۱۳۴۱.
- ۱۵) شاملو احمدی، محمدحسین؛ فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزائی، چاپ اول، اصفهان، نشر دادیار، ۱۳۸۰.
- ۱۶) شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، سال ۱۳۷۳
- ۱۷) شهری، غلامرضا؛ حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، ۱۳۸۲.
- ۱۸) صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۳
- ۱۹) صدرات، علی، حقوق جزا و جرم شناسی، انتشارات کانون معرفت، چاپ اول، تهران ۱۳۴۰
- ۲۰) علی آبادی، دکتر عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، جلد اول، سال ۱۳۶۸

۱) مجموعه نشست های قضائی (۳) مسائل قانون مجازات اسلامی ، چاپ دوم ، قم ، نشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه ، ۱۳۸۲.

۲) مجموعه نشست های قضائی (۲) مسائل قانون مجازات اسلامی ، چاپ اول ، قم ، نشر قضاء ، ۱۳۸۳.

۳) مجموعه نشست های قضائی (۵) مسائل قانون مجازات اسلامی ، چاپ اول ، قم ، نشر قضاء ، ۱۳۸۳.

۴) مجموعه مقالات نخستین همایش - کاربری به سوی ثبت نوین - چاپ اول ، تهران ، نقش گستران بهار ، ۱۳۸۵.

۵) ماهنامه حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران ، دوره دوم ، شماره ۵۱ ، تهران ، چاپ مهنا ، ۱۳۸۳.

پایان نامه :

۱) بشارتی فر، صمد ، جعل اسناد در حقوق کیفری ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد استاد راهنما: رضا نوربها

۲) رضایی سراجی ، زهرا، بررسی جرم جعل معنوی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد ،استاد راهنما: ابوالحسن شاکری

۳) کوشا ، ارسلان ، مطالعه تطبیقی جرم جعل معنوی اسناد در حقوق جزای ایران و فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد ، استاد راهنما: ایرج گلدوزیان

۴) کهریزی، نورحسین ، بررسی جرم جعل مادی در اسناد عادی و مصادیق آن، پایان نامه کارشناسی ارشد ، استاد راهنما: نریمان فاخری